

آمریکا در باتلاق افغانستان

کاش

دولتمردان امروز
آمریکا اشتباهات
دولتمردان گذشته
آن کشور را تکرار
نمی‌کردند. و از
رسوایی‌شان در
ویقنات و نتایج
سوء دخالت‌های
جنگ افروزانه‌شان
در کشورهای دیگر
درس گرفته و بیش
از این پرونده خود
را در تاریخ
بشیرت سیاه و
نفرین ملت‌ها را
نصیب‌شان
نمی‌ساختند.

بی‌نوشت:

۱- روزنامه جمهوری
اسلامی، چهارشنبه: ۲۰
شهریور ۱۳۸۱- شماره:
۶۷۲۷، ص: ۱۶
۲- به نقل از روزنامه
همشهری، شماره:
۱۰۷- ۲۸۲۴، پنجشنبه
۷ شهریور ۱۳۸۱

عدم ثبات و فقدان امنیت بجایی رسیده است که نظامیان آمریکا مجبور شده‌اند مسؤولیت جان حامدکزی رئیس حکومت دست‌نشاندهی خود را خود به عهده بگیرند. تاریخ بشیرت جنایات هولناکی را که آمریکاییان در افغانستان و جهان مرتکب شده‌اند، هرگز فراموش نخواهد کرد.

چندی پیش، مجله نیوزویک ناخواسته پرده از اسرار گوشه‌ای از جنایات آمریکا در افغانستان برداشته و رفتار آمریکاییها و عوامل آنان را با هزاران اسیر جنگی چنین بیان می‌کند:^(۱)

«بیش از ۳۰۰۰ نفر از زندانیان طالبان که به هنگام سقوط قندوز در اواخر نوامبر، خود را به نیروهای پیروز تسلیم کرده بودند با بدترین شیوه مورد اذیت و آزار قرار گرفته و نابود گشته‌اند.

نیوزویک حکایت شاهدان عینی را چنین نقل کرده است: «آنها می‌گفتند، صدها تن از اسیران در کانتینرهای مهر و موم شده خفه شده جان خود را از دست دادند. بعضی از آنها برای زنده ماندن پوست یکدیگر را می‌جوییده‌اند».

عزیزالرحمن رازق، مدیر سازمان حقوق بشر افغان می‌گوید: «با اطمینان می‌توانم بگویم که بیش از هزار نفر در کانتینرها جان باخته‌اند». «یکی از کسانی که زنده مانده، نیوزویک در زندان شبرغان مصاحبه‌ای با او ترتیب داده، او به یاد می‌آورد که کانتینر آنها لبالب پر شده بود. پس از حدود ۲۴ ساعت بدون آب، زندانیان آن چنان مستأصل شده بودند که برای رفع تشنگی عرق یکدیگر را می‌لیسیدند».

نیوزویک در ادامه می‌نویسد: «اجساد دشت لیلی و شیوه وحشت‌آور کشتار آنان - یکی از رازهای کشف جنگ افغانستان است، این صرفاً قساوتی دیگر در سرزمینی نیست که شاهد موارد بسیاری از قساوت و بیرحمی بوده است - این کشتارها مشکلاتی را به تصویر می‌شکند که آمریکا در صورت انتخاب جنگ‌های وکالتی، آن طور که در مورد افغانستان انجام شد، با آنها مواجه خواهد بود. منظور از جنگ‌های وکالتی استفاده از نیروهای ویژه آمریکایی و فراخواندن نیروی هوایی برای حمایت رزمندگان محلی روی زمین است. مزیت جنگ وکالتی در افغانستان پیروزی کم هزینه بود؛ البته کم هزینه از نظر خون آمریکایی‌ها. هزینه‌ای که بررسی‌های نیوزویک ثابت می‌کند این است که نیروهای آمریکایی همکاری نزدیکی با متحدانی داشته‌اند که مرتکب اعمالی شده‌اند که کاملاً می‌توان جنایت جنگی

حدود یکسال از حادثه ۱۱ سپتامبر (۲۰ شهریور) می‌گذرد. با بهانه قرار دادن حملات ۱۱ سپتامبر به ساختمان پنتاگون - مرکز شرارت جهانی - و برج‌های دوقلوی سازمان تجارت جهانی در نیویورک، مشعل داران نظم نوین جهانی و مدعیان جهانی سازی، با کمال قساوت و بی‌رحمی مردم مظلوم و جنگ‌زده افغانستان را مورد تاخت و تاز بی‌امان خود قرار داده و تمام قوانین بین‌المللی و اصول اخلاق جنگی را زیر پا گذاشتند. مناطق مسکونی را ویران و هزاران کودک شیرخوار و خانواده‌های بی‌پناه را به خاک و خون کشیدند.

چنانکه یک خبرنگار ایتالیایی ضمن اشاره به آگاهی قبلی مقام‌های آمریکایی از احتمال بروز واقعه‌ی ۲۰ شهریور گفته است: «آمریکا به بهانه‌ی بروز این فاجعه، در افغانستان قتل عام به پا کرد. «تیتزیانو تراتزانی» خبرنگار آزاد حوزه‌ی جنگ و بحرانا در نشست «ادبیات و دانش» در شهر مانتوا در شمال ایتالیا گفت: آمریکا اجازه داد واقعه‌ی ۱۱ سپتامبر به وقوع به پیوندند تا بتواند قتل عام در افغانستان و اکنون نیز جنگ علیه عراق را توجیه نماید. وی افزود: نمی‌دانم «بن لادن» رئیس گروه القاعده مسؤول واقعه‌ی ۱۱ سپتامبر است، اما آمریکاییها می‌دانستند واقعه‌ای بزرگ در حال شکل گرفتن است ولی برای رسیدن به اهداف جنگی خود، اقدام پیشگیرانه‌ای انجام ندادند»^(۱)

گفته می‌شد که هدف از تهاجم آمریکا سرکوبی تروریسم جهانی و حامیان آن است، گر چه نظام طالبان - امارت اسلامی افغانستان - سرانجام نتوانست در مقابل حملات آمریکا، انگلیس و متحدانش مقاومت نماید، اما بهر حال نه تنها اسامه بن لادن مظنون اصلی حملات ۲۰ شهریور و ملا محمدعمر رهبر طالبان دستگیر و کشته نشدند بلکه دیری نگذشت که جنگ‌های چریکی علیه اشغال‌گران آمریکایی به راه افتاد و همچنان ادامه دارد و به شدت آن افزوده می‌شود. جریان کشته شدن نظامیان آمریکایی در گوشه و کنار افغانستان در بعضی از روزنامه‌ها و رسانه‌های جهان پس از چند روز پخش می‌شود.

اینجاست که سخن اهل بصیرت مصداق می‌یابد که می‌گفتند: آمریکا در باتلاق افغانستان گیر خواهد کرد. آمریکاییها و عوامل آنان با وجود همه نوع تلاش‌های سیاسی و نظامی و کنفرانس‌های بن و غیره و تشکیل لویه جرگه هنوز نتوانسته‌اند آرامش و امنیت را به افغانستان برگردانند.

محسوب شود.»

بدون تردید یک انسان با عاطفه توان ندارد آنچه را که توسط آمریکایی‌ها و ایادیش در افغانستان و فلسطین و مناطق ستمدیده دیگر انجام گرفته، حکایت نماید.

همه این اقدامات ددمشانه از مدعیان تمدن و حامیان حقوق بشر دلیل روشنی بر کینه و بغض درونی‌شان نسبت به اسلام و مسلمین می‌باشد.

کیست که نداند آنچه در اسرائیل انجام می‌گیرد به فرمان و پشتیبانی رجال کاخ سفید است.

اکنون آمریکایی‌ها پس از اینکه احساس کرده‌اند در افغانستان و فلسطین به بن بست رسیده‌اند، بنا بر دلایل کهنه و قدیمی در حال طراحی حمله به عراق از پیش زخم خورده بر آمده‌اند. و با کمال وقاحت به بهانه بی‌اساس پناه دادن رجال القاعده خیال حمله به جمهوری اسلامی ایران را نیز در سر می‌پروراند، اما نباید از نتایج مواضع خصمانه خود، در قبال جمهوری اسلامی غافل باشند.

بدون تردید هدف از همه‌ی این اقدامات سرپوش گذاشتن به ضعف‌های درونی و رسیدن به آمل مکرره‌شان می‌باشد.

کاش دولتمردان امروز آمریکا اشتباهات دولتمردان گذشته آن کشور را تکرار نمی‌کردند. و از رسوایی‌شان در ویتنام و نتایج سوء دخالت‌های جنگ افروزانه‌شان در کشورهای دیگر درس گرفته و بیش از این پرونده خود را در تاریخ بشیرت سیاه، و نفرین ملت‌ها را نصیب‌شان نمی‌ساختند.

اما چه باید کرد که سرمستان قدرت به جز منطق زور چیز دیگری نمی‌فهمند.

بقول مولانا:

ز آنک هستی سخت مستی آورده

عقل از سر شرم از دل می‌برد^(۱)

در این خصوص بر ملل مسلمان و سران کشورهای اسلامی است که ضمن یقین نمودن به وعده‌های قطعی پروردگار در اوضاع خود تجدید نظر نموده به سوی الله صادقانه رجوع نمایند: «و ان تصبرو و تتقوا لایضرم کیدهم شیئاً» (آل عمران: ۱۲۰)؛ اگر (در برابر اذیت و آزارشان) بردباری کنید و (از دوستی با ایشان) پرهیزید، حیل‌گری (و دشمنی خائنانه‌ی) آنان به شما هیچ زیانی نمی‌رساند.

و همواره این فرمان پروردگار را مد نظر داشته باشند که می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الیهود و النصارى اولیاء بعضهم اولیاء بعض و من یتولم فانه منهم، ان الله لایهدی القوم الظالمین • فتری الذین فی قلوبهم مرض یسارعون فیهم یقولون نخشی ان تصیینا دائرة فعیسی الله ان یاتی بالفتح او امر من عنده فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم نادمین» (مانده: ۵۱-۵۲)؛ «ای مؤمنان! یهودیان و مسیحیان را به دوستی

نگیرید. ایشان برخی دوست برخی دیگرند (و در دشمنی با شما یکسان و برابرند). هر کس از شما با ایشان دوستی ورزد بی‌گمان او از زمهره‌ی ایشان بشمار می‌آید و شک نیست که خداوند افراد ستمگر را (به سوی ایمان) هدایت نمی‌کند. می‌بینی کسانی که بیماری (ضعف و شک و نفاق) به دل دارند، (در دوستی و یاری با یهودیان و مسیحیان) بر یکدیگر سبقت می‌گیرند و می‌گویند: می‌ترسم که (روزگار بر گردد و) بلایی بر سر ما آید (و به کمک ایشان نیازمند شویم). امید است که خداوند فتح را پیش یساورد یا از جانب خود کاری کند (و دشمنان اسلام را نابود و منافقان را رسوا نماید) و این دسته از آنچه در دل پنهان داشته‌اند پشیمان گردند (و بر ضعف و شک و نفاق خود افسوس خورند).

و جداً مواظب باشند مبادا گرایشی به سوی ظالمان زمان و جباران عصر حاضر صورت بگیرد: «و لاترکوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار» (هود: ۱۱۳)؛ و به کافران و مشرکان گرایش مکنید (که اگر چنین کنید) آتش دوزخ شما را قرار می‌گیرد.

وحدت و انسجام مسلمانان با همدیگر و همدلی و هماهنگی‌شان با مسؤولین امر تنها ضامن هر نوع پیروزی، و بزرگترین عامل ناامید کننده برای دشمنان اسلام است.

اگر دولت‌ها و ملت‌های مسلمان به وظایف خود عمل نمایند و در مقابل تهدیدات دشمن ایستادگی کنند. ان شاء الله آن روز دور نیست که ظلم ظالمان قطعاً به چاه خطرناکی تبدیل شده و آنان را در خود فرو خواهد برد: «وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون» (شعراء: ۲۲۷)؛ و کسانی که ستم می‌کنند خواهند دانست که بازگشت‌شان به کجا و سرنوشت‌شان چگونه است!!

مولانا شاید در وصف حال چنین کسانی فرموده است:

در فتاد اندر چاهی کو کنده بود

ز آنکه ظلمش در سرش آینه بود

چاه مظلم گشت ظلم ظالمان

این چنین گفتند جمله عالمان

هر که ظالمتر چش با هول‌تر

عدل فرمودست بتر را بتر

ای که تو از ظلم چاهی می‌کنی

از برای خویش دامی می‌کنی^(۲)

«اللهم اشغل الظالمین بالظالمین و أخرنا من بینهم سالمین

غائمین. اللهم انا نجعلک فی نحورهم و نعوذ بک من شرورهم.

اللهم خذهم اخذ عزیز مقتدر».

(سر دبیر)

پی‌نوشت:

۱- مثنوی معنوی، دفتر

پنجم، بیت: ۱۴۲۰

۲- مثنوی معنوی، دفتر اول،

بیت: ۱۳۰۸-۱۳۱۱